

اقتصاد سیاسی روابط دوجانبه آلمان و ایران: مطالعه موردی سرمایه‌گذاری خارجی

مجید رنجبردار*

دکتر داود آقایی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۴

چکیده

سرمایه‌گذاری خارجی از جمله منابع تأمین مالی با بیشترین گردش در جهان امروز است. بیشتر کشورهای جهان با ایجاد اصلاحات سیاسی و حقوقی به دنبال جذب این منابع هستند. عوامل سیاسی بر میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی بسیار تاثیرگذار است. ایران از اوایل دهه ۱۳۸۰ با تصویب قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، تلاش فراوانی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته است. در این مسیر، یکی از کشورهای هدف و شرکای برجسته ایران، آلمان بوده است. طی سال‌های ۱۹۹۷ لغایت ۲۰۱۷، فراز و نشیب بسیاری در سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی تحت تأثیر مولفه‌های سیاسی مختلف از جمله سیاست‌های آمریکا، اسرائیل و روند صلح خاورمیانه، تروریسم و حقوق بشر بوده است. بهترین دوران سرمایه‌گذاری آلمان در ایران سال‌های ۱۹۹۷ لغایت ۲۰۰۴ بوده که میزان تنش‌های سیاسی در پایین‌ترین سطح قرار داشته است. سؤال مهم این پژوهش اقتصاد سیاسی سرمایه‌گذاری آلمان در ایران و عناصر سیاسی تاثیرگذار بر آن می‌باشد. فرضیه پژوهش: فراز و نشیب روند جذب سرمایه‌گذاری آلمان در ایران تابع متغیرهایی مانند سیاست‌های آمریکا، اسرائیل و صلح خاورمیانه، حقوق بشر و تروریسم است. روش پژوهش تبیینی و با استناد به آمار و تحلیل آن‌ها بوده است و سعی شد از طریق بررسی روند ۲۰ ساله سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران، تأثیر عوامل سیاسی مهم در روابط دوجانبه بر میزان و روند سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران در دولت‌های خاتمی، احمدی نژاد و روحانی بویژه پس از تحریم‌ها و خروج ایالات متحده از برجام بررسی گردد.

واژگان کلیدی: ایران، آلمان، سرمایه‌گذاری خارجی، دیپلماسی اقتصادی

۱. دانشجوی دکتری رشته مطالعات منطقه‌ای (گرایش اروپا)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

* نویسنده مسئول: ranjbardar@gmail.com

۲. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

جمهوری فدرال آلمان همواره به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در تحولات و پیشرفت‌های اقتصادی و همچنین صدور خدمات فنی و مهندسی، سرمایه‌گذاری خارجی و تأمین منابع مالی بین‌المللی مورد توجه کشورهای مختلف، بویژه جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است. این کشور طی سال‌های ۲۰۰۷ لغایت ۲۰۱۷ بطور میانگین سالانه بیش از ۹۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در سایر نقاط جهان انجام داده و حضور پررنگی در نقاط مختلف و پروژه‌های اقتصادی معتبر دنیا از طریق شرکت‌های معظم و توانمند داشته است. در طی سال‌های مذکور بیشترین میزان سرمایه‌گذاری انجام شده توسط آلمان در سال ۲۰۰۷ با رقمی بالغ بر ۳۵۱،۳۶۹ میلیون دلار و کمترین میزان در سال ۲۰۱۳ به ارزش ۴۹۲،۳۹ میلیون دلار بوده است. همچنین به لحاظ درصدی در سال ۲۰۱۴ بیش از ۹/۴۹ درصد از سرمایه‌گذاری کشورهای عضو اتحادیه اروپا توسط آلمان انجام شده و در سال ۲۰۱۰ بیش از ۳/۱۲ درصد از کل سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه توسط کشور آلمان صورت پذیرفته است.

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز باتوجه به پشت سر نهادن تحولات عظیمی همانند جنگ هشت ساله، تحریم‌های بین‌المللی و یک جانبه ایالات متحده و نیاز روزافزون داخلی به اشتغال، رشد اقتصادی و توسعه همه جانبه، بدنبال استفاده از منابع مالی بین‌المللی بویژه سرمایه‌گذاری خارجی بوده است. باتوجه به تأثیرات و اهمیت استفاده از صنایع آلمانی در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور و ظرفیت‌های موجود برای همکاری و استفاده از توان فنی و سرمایه‌ای جمهوری آلمان و نظر به تمایل این کشور برای حضور اقتصادی و ارتقای جایگاه سیاسی خود به عنوان یک بازیگر مستقل بین‌المللی در منطقه خاورمیانه، امکان بسیار مناسبی برای همکاری طرفین به وجود آمده است. یکی از نمدهای اصلی این همکاری متقابل می‌تواند استفاده از ظرفیت‌های مذکور در چارچوب جذب سرمایه‌گذاری خارجی از جمهوری آلمان باشد. در بحث انجام سرمایه‌گذاری توسط کشورهای مختلف، بطور معمول عوامل مختلف سیاسی و اقتصادی تاثیرگذار هستند و مجموع آثار این عوامل، محرک اصلی شرکت‌های

خارجی برای ورود به بازار کشور دیگر می‌باشد. سؤال مهم این مقاله اقتصاد سیاسی سرمایه‌گذاری آلمان در ایران و عناصر سیاسی تاثیرگذار بر آن می‌باشد. فرضیه این مقاله آن است که روند جذب سرمایه‌گذاری آلمان در ایران از فراز نشیب برخوردارست و تابع متغیرهایی مانند سیاست‌های آمریکا، اسرائیل و صلح خاورمیانه، حقوق بشر و تروریسم است. در این مقاله از طریق بررسی روند ۲۰ ساله سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران، سعی شد تأثیر عوامل مهم‌ترین عوامل سیاسی بر میزان و روند سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران در دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی بویژه پس از تحریم‌ها و خروج ایالات متحده از برجام بررسی گردد. روش پژوهش تبیینی و با استناد به آمار و تحلیل آن‌ها بوده است. در بخش اول مقاله ادبیات پژوهش را در کشور بررسی نموده‌ایم. در بخش دوم به تبیین مبانی دیپلماسی اقتصادی آلمان و سپس رویکرد آن کشور به منطقه خاورمیانه پرداخته شده است. در بخش سوم ضمن اشاره به جایگاه ایران در سیاست خارجی آلمان به بررسی هریک از متغیرهای سیاسی مؤثر بر روابط اقتصادی دو کشور پرداخته شده و در بخش پایانی نیز به وضعیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در سه دولت خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی پرداخته شده و در پایان فرضیه پژوهش را در قالب نتیجه‌گیری به آزمون گذاشته‌ایم.

۱. پیشینه موضوع

از آنجایی که پیرامون روابط دوجانبه سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و آلمان تاکنون بیش از صدها مقاله و چندین کتاب به رشته تحریر درآمده است؛ لیکن هیچ منبعی تاکنون تمرکز خود را بر موضوع سرمایه‌گذاری خارجی شرکت‌های آلمانی در ایران و عوامل سیاسی مؤثر بر آن قرار نداده است. در ادامه به برخی از مقالات مرتبط با روابط ایران و آلمان اشاره شده است.

داود کیانی در مقاله‌ای با عنوان «مثلث روابط میان ایران، آلمان و اروپا» تلاش نموده تا نقش و جایگاه ایران در سیاست خارجی آلمان و تأثیر سیاست دولت آلمان بر سیاست خارجی اتحادیه اروپا را در قبال ایران تشریح نماید. وی تأکید دارد که طی یکصد و پنجاه سال گذشته به تدریج نوعی روابط ویژه میان ایران و آلمان در مقایسه با سایر

کشورهای اروپایی شکل گرفته که حتی در شرایط بغرنج نیز، هیچ عاملی مانع از گسترش آن نشده و مهم‌ترین دلیل آن را تلاش دولت آلمان برای ایفای نقش یک قدرت ژئواکونومیک در موضوعات جهانی می‌داند. در عین حال به سیاست‌های ایالات متحده آمریکا و انگلستان به ویژه درخصوص برنامه هسته‌ای ایران به عنوان مانعی در گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی اشاره دارد. این مقاله علیرغم ارائه شناختی مناسب از روندهای حاکم بر روابط دو کشور، بیشتر بر همکاری سه جانبه ایران، آلمان و اروپا و اثرات متقابل این همکاری بر موضوعات سیاسی و همکاری‌های دوجانبه تاکید دارد.

جواد اطاعت و مسعود رضایی نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحولات روابط سیاسی و اقتصادی ایران و آلمان» تلاش نموده‌اند تا ضمن امکان‌سنجی فرصت‌های سیاسی و اقتصادی متقابل، اختلافات، موانع سیاسی حاکم و منافع مشترک دو کشور، به بررسی تحولات روابط دوجانبه بپردازند. اینان معتقدند که اگرچه روابط دو کشور همواره دوستانه بوده و ارتباطات درهم تنیده اقتصادی دو کشور، از قابلیت مناسبی برای طرفین در زمینه افزایش همکاری‌های دوجانبه حکایت کرده، با این حال این رابطه سال‌ها تحت تأثیر فشار سایر کشورها و با فراز و نشیب بسیار همراه بوده است.

بهزاد احمدی‌لفورکی، نیز در مقاله‌ای با نام «آلمان: دوست نیمه‌راه، روابط ایران و آلمان و چشم‌انداز پیش‌رو» در کتاب اروپا ۱۰ انتشارات موسسه ابرار معاصر، تلاش کرده به چرایی رکود و سردی در روابط دو طرف پاسخ دهد و مسائل روابط دوجانبه و منافع مشترک دو کشور را تبیین نماید. وی در این مقاله تلاش دارد تا نشان دهد که بدون شناخت و درک درست سیاست خارجی و خاورمیانه‌ای آلمان و ضعف‌ها و محدودیت‌های آن، تحلیل سیاست این کشور در قبال ایران میسر نیست و در سایه چنین شناختی می‌توان، به ظرفیت‌های موجود برای بهبود و توسعه روابط فرصت تحقق و بروز داد.

علی فتح‌اله‌نژاد دستیار مرکز مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقای مرکز تحقیقات سیاست خارجی آلمان نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط ایران و آلمان در سایه توافق هسته‌ای: تجدیدنظر در سیاست خارجی و توسعه» ضمن تحلیل تهدیدات و فرصت‌ها، نقاط قوت و ضعف‌های روابط دوجانبه به ویژه با فضای فراهم شده پس از توافق

هسته‌ای، اعتقاد دارد که منافع آلمان در ایران در وهله اول تشویق ثبات در منطقه خلیج فارس به عنوان منبع تأمین انرژی جهانی و سپس کمک به حل و فصل منازعات در خاورمیانه است. از این طریق سه هدف عمده برای کشور آلمان تأمین خواهد شد، اول موج مهاجرت از کشورهای منطقه به اروپا کاهش خواهد یافت، دوم صلح و ثبات مناسبی در منطقه حاکم خواهد شد و نهایتاً بسترهای لازم برای همکاری اقتصادی به ویژه سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران فراهم خواهد شد.

طبق بررسی‌های صورت گرفته توسط نویسندگان، تاکنون مقاله یا کتاب مستقلی در خصوص موضوع پژوهش نگاشته نشده است. لذا مقاله حاضر تلاش دارد ضمن بررسی عوامل سیاسی مؤثر بر روابط دوجانبه، چگونگی و میزان اثرگذاری آن‌ها را بر میزان سرمایه‌گذاری خارجی شرکت‌های آلمانی در ایران تبیین نماید و از این طریق تا حدودی بتواند خلاء موجود در این زمینه را جبران کند.

۲. مبانی نظری پژوهش

۱-۲. مبانی دیپلماسی اقتصادی آلمان

روابط خارجی جمهوری فدرال آلمان برگرفته از مبانی، اهداف و اصول سیاست خارجی این کشور است که علیرغم تغییرات در سطح کلان، به دلیل فروپاشی شوروی و نظام دو قطبی، این اصول بنیادین دست نخورده باقی مانده است. محورهای مهم این سیاست‌ها چندجانبه‌گرایی و اروپامحوری، حمایت از گسترش و تعمیق نظام اروپایی، تحکیم روابط فرآتلانتیکی، ارتقای فعالیت در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، افزایش توانمندی اقتصادی، گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای جهان، حفظ و تقویت صلح، دفاع از سیستم امنیت دسته جمعی، حراست از حقوق بشر و مبارزه با تروریسم است. بطور کلی برای سیاست خارجی آلمان چهار جهت اصلی برشمرده می‌شود:

۱- استمرار همکاری و تعمیق روابط اتحادیه اروپایی،

۲- حفظ و تقویت پیمان آتلانتیک شمالی،

۳- تنش زدایی با شرق،

۴- همکاری با کشورهای جهان سوم (کیانی، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۳۹).

جمهوری فدرال آلمان به عنوان یک قدرت غیرنظامی، علاقمند به استفاده از همکاری‌های اقتصادی به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی است و از اینرو، آلمان را یک قدرت ژئواکونومیک نیز می‌نامند. در کشورهای مبتنی بر قدرت ژئواکونومیک، رابطه دولت با جامعه تفاوت دارد. با توجه به اینکه شرکت‌های آلمانی نیمی از تولید ناخالص داخلی این کشور را تأمین می‌کنند و سیاست اقتصادی خارجی آلمان نیز متکی بر صادرات این شرکت‌ها است، لذا گروه جامعه اقتصادی آلمان نقش تعیین کننده‌ای در سیاست خارجی این کشور دارند (کیانی، ۱۳۹۱: ۱۵۶).

سیاست خارجی آلمان تلاش خود را معطوف به ایجاد نظام قابل اتکا و عادلانه اقتصادی و مالی می‌نماید. این سیاست از یک چارچوب و شرایط اقتصادی حمایت می‌کند که بتواند در سراسر جهان توسعه پایدار را ممکن ساخته و با اهرم همکاری‌های دو و چندجانبه امکانات بهتری برای توسعه فراهم نماید (Informationen zur Wirtschaft in Iran, 2018).

به موازات تلاش تدریجی رهبران آلمان در عادی کردن سیاست خارجی این کشور پس از اتحاد، سیاست خاورمیانه‌ای آن دولت نیز به مرور پذیرای تحولاتی گردید. در یک تقسیم‌بندی اجمالی می‌توان سیاست خاورمیانه‌ای آلمان را به دو دوره تقسیم نمود:

- ۱- دوره پس از جنگ جهانی دوم تا ۱۹۹۵
- ۲- دوره ۱۹۹۵ تاکنون،

در دوره نخست، جمهوری فدرال آلمان به جهت شرایطی که قدرت‌های بزرگ بر این کشور تحمیل کرده بودند، از یک سیاست دو وجهی نسبت به خاورمیانه پیروی می‌نمود:

الف- مسئولیت اخلاقی در برابر دفاع از موجودیت اسرائیل،

ب- برقراری روابط اقتصادی و تجاری صرف با کشورهای منطقه.

جمهوری فدرال آلمان در راستای دستیابی به اهداف اقتصادی کشور، از سه طریق به حمایت از شرکت‌های آلمانی در کشورهای ثالث و کشورهای عضو اتحادیه اروپا اقدام می‌نماید. وظیفه اصلی این سه نهاد، جمع‌آوری اطلاعات و ارائه مشاوره به شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران اقتصادی آن کشور در جهت کسب سود حداکثری با کمترین ریسک

ممکن می‌باشد. همچنین در بخش داخلی نیز در دو سطح فدراسیون‌های صنایع و تجارت و ایالت‌های محلی نیز برنامه‌ریزی و تلاش‌های برای ارتقای سطح سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی صورت می‌پذیرد. نهادهای مذکور به شرح زیر است (External Economic Policy, 2018):

هیئت‌های اعزامی آلمان به خارج از کشور در قالب سفارتخانه‌ها و یا کنسولگری‌ها: ارتقای سطح سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی یکی از وظایف اصلی بخش خدمات خارجی وزارت امور خارجه و وزارت اقتصاد و انرژی جمهوری فدرال آلمان می‌باشد. بیش از ۲۳۰ نمایندگی متشکل از سه نهاد مذکور در خارج از این کشور منافع شرکت‌های آلمان را در کشورهای میزبان پیگیری می‌نماید. در تمام نهادهای مذکور یک بخش هماهنگ‌کننده برای امور اقتصادی تشکیل شده و در زمینه‌هایی مانند اقتصاد، کشاورزی، همکاری‌های فناوری و علمی، توسعه تأمین مالی و امور اجتماعی فعالیت دارند.

دفاتر اتاق‌های بازرگانی آلمان در خارج و دفاتر نمایندگی انجمن‌های صنعتی و تجاری: اتاق‌های بازرگانی آلمان در خارج از کشور هیئت‌های اعزامی رسمی بخش صنعت آلمان به خارج از کشور هستند و متشکل از فعالان اقتصادی داوطلب که سابقه همکاری با کشور میزبان یا ظرفیت بسیار بالایی برای همکاری با کشور میزبان را دارند، می‌باشند. این اتاق‌های مشترک از حمایت وزارت اقتصاد و انرژی فدرال آلمان برخوردار هستند. هدف اصلی این نهادها کمک به گسترش صادرات شرکت‌های آلمانی و تشکیل شرکت‌های مشترک برای سرمایه‌گذاری یا برند مشترک برای تولید کالاهای صنعتی و کشاورزی با توجه به مزیت هریک از کشورهای میزبان می‌باشد. اتاق‌های بازرگانی آلمان در خارج از این کشور حدود ۵۰ هزار شرکت عضو دارند. در برخی از کشورها که هنوز شرکت‌های آلمانی در بازار آن کشورها چندین فعال نشده‌اند یا اتاق‌های بازرگانی آلمان در خارج از کشور هنوز به طور کامل استقرار نیافته‌اند، سفارتخانه‌ها و یا کنسولگری این وظایف را برعهده دارند. در حال حاضر، اتاق بازرگانی آلمان در بیش از ۹۰ کشور دارای دفتر می‌باشد. بنابراین شناسایی فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری و معرفی این فرصت‌ها به شرکت‌های تجاری یا سرمایه‌گذاری آلمان

مهم‌ترین وظیفه این مراکز است و ارائه خدماتی از قبیل تنظیم جلسات مذاکره با شرکت‌های محلی، برنامه‌ریزی نشست‌های چندجانبه، تنظیم ملاقات با مقامات محلی، پیگیری مشکلات و حل و فصل اختلافات تجاری و ارائه مشاوره درخصوص اختلافات سرمایه‌گذاری از سایر وظایفی است که در صورت درخواست شرکت‌های آلمانی، این مراکز باید انجام دهند.

آژانس تجارت و سرمایه‌گذاری آلمان (GTAI): آژانس تجارت و سرمایه‌گذاری آلمان وظیفه ارائه اطلاعات دقیق تجاری و سرمایه‌گذاری، گزارش وضعیت اقتصاد کلان کشورها بویژه کشورهای هدف یا خاص، تعیین و اعلام سقف پوشش ریسک سیاسی و اقتصادی برای هریک از کشورها با هماهنگی موسسه بیمه اعتبار صادراتی هرمس، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، بازاریابی و برقراری ارتباط تجاری و سرمایه‌گذاری، درخواست مزایده یا مناقصه، ارزیابی بخش‌های تجاری و تحلیل‌های بازار، نشر مقررات واردات و صادرات همچنین راهنمای تجارت با کشورها را برعهده دارد و تلاش می‌نماید تا دسترسی شرکت‌های آلمانی به بازارهای بین‌المللی را تسهیل نماید. بخش سرمایه‌گذاری و تجارت آلمان اطلاعات مورد نیاز شرکت‌های خارجی درباره بخش‌های اقتصادی و بازارهای مختلف آلمان، پروژه‌ها یا درخواست‌های مزایده و مناقصه و قوانین و مقررات گمرکی را نیز تهیه و منتشر می‌نماید و راهنمای نحوه همکاری با بیش از ۷۰ نهاد آلمانی را به شرکت‌ها و فعالان اقتصادی خارجی ارائه می‌نماید. این آژانس به عنوان زیرمجموعه وزارت اقتصاد و انرژی فدرال محسوب می‌شود (Germany Trade and Invest, 2018).

۲-۲. سیاست خارجی و اقتصاد آلمان

افزایش رقابت شرکت‌های آلمانی در بازارهای خارجی و حفظ جذابیت آلمان به عنوان محل کسب و کار و سرمایه‌گذاری خارجی اهداف دوگانه سیاست اقتصادی خارجی در آلمان است. دامنه این اهداف به مراتب فراتر از اقدامات مرزی متعارف گسترش پیدا می‌کند و طیف گسترده‌ای از سیاست‌های داخلی مشتمل بر مواردی همانند سیاست رقابت‌پذیری، سیاست فناوری و مقررات ناظر بر یارانه‌ها، که به طور فزاینده‌ای در

رقابت بین‌المللی مورد توجه قرار دارند را دربرمی‌گیرد. سیاست خارجی آلمان در سه سطح داخلی، فراملی (اتحادیه اروپا) و بین‌المللی تحت تأثیر محدودیت‌های خاصی قرار دارد. بین‌المللی نمودن قواعد داخلی همانند لزوم توجه به تجارت آزاد، رقابت‌پذیری، صلح و ثبات و امنیت به شدت مد نظر دولت این کشور قرار دارد و هدف غایی آن کمک به توسعه اقتصادی و افزایش رفاه ملی و بین‌المللی است (Koopman, 2012:8). در تئوری، دیپلماسی اقتصادی آلمان، مکمل بخش خارجی سیاست ساختاری بازارگرا در اقتصاد آلمان است. این موضوع از طریق سه مسیر زیر پیگیری می‌شود:

- اعمال سیاست با هدف ایجاد نظم مبتنی بر چارچوب قانونی و نهادهای اقتصادی،
- سیاست رقابت‌پذیری، حمایت از اقتصاد آزاد و شرکت‌ها،
- سیاست بازار، اطمینان‌یابی از کارکرد درست بازار.

سیاست ساختاری دولت آلمان در جهت کمک به رشد و ثبات اتخاذ شده و به شدت به عدم دخالت دولت در تصمیمات شرکت‌ها مبنی بر چه تولید کنند یا چگونه تولید کنند، پای‌بند است. بر همین اساس، اصل مورد توجه این کشور در سیاست خارجی و نحوه مشارکت در بازار سایر کشورها بعد از ثبات سیاسی، متکی به اصل عدم تبعیض بین سرمایه‌گذار داخلی و سرمایه‌گذار خارجی است (Maul, 2012:159). این استراتژی باعث شد که آلمان به لحاظ اقتصادی به عنوان یکی از قدرتمندترین بزرگ جهان مطرح شود. در حال حاضر آلمان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا و جایگاه چهارم تولید ناخالص داخلی را در جهان دارد. آلمان از بنیانگذاران اتحادیه اروپا و حوزه یورو است. جایگاه اقتصادی این کشور در جهان بعد از انقلاب صنعتی و همزمان با تشکیل آن مطرح شد و تا به امروز از آن به عنوان یک کشور پیشرو و نوآور و همچنین سرمایه‌گذار در پروژه‌های تحقیقاتی اسم برده می‌شود. اقتصاد آلمان، از سیستم اقتصاد اجتماعی بازار پیروی می‌کند. در سال ۲۰۱۴ این کشور رکورد بیشترین مازاد تجاری دنیا را به ارزش ۲۸۵ میلیارد دلار ثبت کرد. صادرات این کشور ۴۱ درصد از تولید ملی را شامل می‌شود. ترکیب تولید ناخالص داخلی این کشور مشتمل بر بخش خدمات ۷۰ درصد، صنعت ۲۹ درصد و کشاورزی ۱ درصد است. ۹۹ درصد شرکت‌های آلمانی، شرکت‌های با اندازه کوچک و متوسط هستند که عمدتاً به صورت خانوادگی اداره می‌شوند. در میان ۵۰۰

ابشرکت بزرگ دنیا نیز از لحاظ درآمد، دفتر مرکزی ۵۳ شرکت در آلمان قرار دارد (Krewson, 2018:2).

۲-۳. دیپلماسی اقتصادی خاورمیانه‌ای آلمان

با انتشار رهنامه سیاست خارجی آلمان در سال ۲۰۰۲ توسط یوشکا فیشر وزیر خارجه وقت این کشور در خصوص مناقشه اعراب و اسرائیل، سنگ بنای سیاست خارجی خاورمیانه‌ای این کشور گذاشته شد. در ادامه با ایفای نقش میانجیگری بین دولت خودگردان فلسطین و اسرائیل، اعزام سرباز تحت عنوان نیروی بین‌المللی حافظ صلح به خاورمیانه، اعزام نیرو به افغانستان، مخالفت با اقدام نظامی در عراق و طرح ابتکاری مذاکرات هسته‌ای با ایران این سیاست نمود عملیاتی بیشتری به خود گرفت (شفیعی و رضائی، ۱۳۹۲: ۵۴۵-۵۴۴). همکاری‌های اقتصادی بویژه فراهم نمودن بسترهای لازم برای فعالیت شرکت‌های آلمانی در مناطق مختلف جهان بویژه خاورمیانه، نقش پررنگی در سیاست خارجی و روابط اقتصادی خارجی این کشور با سایر کشورهای جهان دارد. سیاست خارجی آلمان در مورد خاورمیانه را باید به عنوان قسمتی از سیاست خارجی مشترک اتحادیه اروپا در نظر داشت. منافع آلمان در افزایش و کمک به سطح همسان‌سازی و یکپارچه نمودن منطقه نهفته است و به همین دلیل باید نقش خود و در نهایت اتحادیه اروپا را در موضوعات مطرح در خاورمیانه از جمله صلح اعراب و اسرائیل، حقوق بشر، برنامه هسته‌ای ایران و ایجاد ثبات در شمال آفریقا و کشورهای حوزه خلیج فارس افزایش دهد. آلمان یکی از شرکای اصلی کشورهای خاورمیانه است لیکن در عین حال تجارت با اسرائیل، ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس کمتر از ۳ درصد کل صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد. سرمایه‌گذاری آلمان در منطقه تاکنون قابل ملاحظه نبوده اما، در برخی از زمینه‌های اقتصادی بویژه در حوزه نفت و گاز که کالاهای استراتژیکی تلقی می‌شوند، برای برخی از شرکت‌های آلمانی از اهمیت بالایی برخوردار است. ظرفیت بسیار زیادی برای افزایش حجم همکاری اقتصادی بین کشورهای منطقه و آلمان وجود دارد و در عین حال آزادسازی اقتصادی در کنار کمک

به توسعه اقتصادی و رشد آن‌ها برخی از منافع اقتصادی و سیاسی آلمان را نیز تأمین می‌نماید (Grohe, Moosbauer, Perthes & Sterzing, 2009: 22). مسأله اختلاف اعراب و اسرائیل، به ویژه رابطه با فلسطین، اولین موضوع محوری سیاست خارجی آلمان در منطقه خاورمیانه است. حل و فصل این اختلاف برای آلمان از ضرورت بسیار بالایی برخوردار است و از شکل‌گیری یک دولت مستقل فلسطینی حمایت می‌کند. از زمان شکل‌گیری دولت مستقل فلسطینی آلمان یکی از مهم‌ترین کشورهای کمک‌کننده به آن‌ها بوده و این مسأله را همواره به عنوان یکی از افتخارات سیاست خارجی خود در منطقه خاورمیانه اعلام می‌نماید. البته باید توجه داشت که در عین حال بر بدون قید و شرط بودن این کمک‌ها نیز تأکید داشته و هدف از این اقدام را ایجاد یک دولت دموکراتیک که به حقوق بشر و همکاری صلح جویانه با همسایگان احترام بگذارد، اعلام کرده است. طی سال‌های اخیر نقش آلمان در منطقه خاورمیانه رو به افزایش است. این نقش محوری از یک سو ناشی از مسئولیت‌پذیری این کشور در چارچوب قواعد و سیاست‌های اتحادیه اروپا و از سوی دیگر موضوعاتی است که طی چند سال گذشته با آن مواجه می‌باشد:

اول؛ این کشور هزاران پناهنده سوری را طی سال‌های اخیر پذیرفته و این مسأله باعث شده که تحولات منطقه خاورمیانه برای آن‌ها از اهمیت بالاتری برخوردار شود. آلمان یکی از بازیگران اصلی در مذاکرات مربوط به پناهندگان سوریه است، لذا نقش این کشور را در شکل‌گیری آینده سوریه افزایش داده است. مسأله پناهندگان یکی از چالش‌های اساسی در بین کشورهای اروپایی و در عین حال تهدیدی بزرگ‌تر برای موجودیت و یکپارچگی جمعیتی اتحادیه اروپا نیز هست. سیاست درهای باز آلمان به روی پناهندگان سوری منجر به تقویت رابطه بین مردمی، تبادل فرهنگی و برخورد با سوریه شده که می‌تواند منجر به افزایش همکاری اقتصادی بین آلمان و کشورهای منطقه خاورمیانه نیز شود.

دوم؛ برخی از مهاجران ترکیه‌ای که از سال‌های قبل به آلمان رفته‌اند تحت تأثیر سیاست‌ها و تبلیغات رجب طیب اردوغان، کشش قابل توجهی به ترکیه دارند و این مسأله در نوع سیاست‌گذاری و مواجهه دولت آلمان با این کشور نیز اثرگذار شده است.

تلاش ترکیه برای مبارزه با تروریسم گولنیسمی که برخی از آن‌ها در آلمان ساکن هستند، به تشدید اختلافات افزوده است. همچنین حضور گروهی قدرتمند از سران احزاب کرد در آلمان، باعث شده که یک بسیج متفاوتی از جمعیت ترک ساکن در آلمان تشکیل شود که منجر به توجه بیشتر دولت آلمان به تحولات منطقه خاورمیانه می‌شود.

سوم؛ آلمان یکی از قدرت‌های مؤثر در مذاکرات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران است. با خروج ایالات متحده آمریکا از توافق برجام، نقش کشورهای اروپایی بویژه آلمان افزایش یافته و به عنوان یکی از پیشگامان توافق باید فشار بیشتر و تلاش مضاعفی را برای حفظ برجام تحمل نماید. خاورمیانه با مشکلات و مسائل بیشتری نیز مواجه خواهد شد. نفوذ و حضور روسیه در سوریه در کنار سیاست‌های ترامپ به روند حرکتی پناهنده‌گان خواهد افزود. در عین حال ائتلاف ایران و روسیه در مقابل ایالات متحده و متحدانش در سوریه منجر به عمیق‌تر شدن بحران خواهد شد و نقش موازنه‌گری اتحادیه اروپا، به ویژه آلمان افزایش خواهد یافت (Fakude, 2017:2).

یواخیم گوک رئیس جمهور فدرال سابق این کشور در پنجاهمین کنفرانس امنیت مونیخ در سال ۲۰۱۴ اعلام نمود، زمان آن رسیده که آلمان نقش موثری را در خاورمیانه به دلیل اهمیت سیاسی، نظامی و ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی آن ایفا نماید. او خواهان کنار گذاشتن سیاست انزوای خودخواسته از تحولات سیاسی و ایفای نقش مؤثر در نظام بین‌الملل شد. مجموعه تحولات مذکور باعث شد تا آلمان از یک بازیگر ساکت به یک بازیگر فعال تبدیل شده و این تغییر جهت با رخ دادن برگزیت سرعت و قدرت بیشتری گرفته است. تحت تأثیر قرار گرفتن این کشور از تهدیدات و مخاطرات موجود در خاورمیانه از جمله تروریسم و مهاجرت غیرقانونی و اقدامات روسیه و ایالات متحده که بر آشفتگی منطقه افزوده است، باعث شد تا برلین بدنبال تدوین یک استراتژی مناسب برای برخورد با مسائل مذکور باشد و در همین راستا، آنگلا مرکل اولویت‌های سیاست خارجی این کشور در قبال خاورمیانه را به شرح زیر اعلام نمود:

- مشارکت استراتژیک سیاسی و اقتصادی با کشورهای مهم منطقه از جمله

اسرائیل، ترکیه، ایران.

- حل و فصل اختلافات موجود بین کشورهای عربی از جمله مسأله سوریه.

- ایجاد موازنه قوا بین کشورهای حاضر در منطقه.
- مبارزه با گروه‌های تروریستی و نظامی.
- کمک به بازسازی کشورها پس از جنگ (Pillars of Germany Foreign Policy for Middle Eastern Conflicts, 2017).

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. دیپلماسی اقتصادی آلمان در ایران

بیش از صد سال است که آلمان دارای نمایندگی سیاسی در ایران است. در روز ۱۱ جون ۱۸۷۳ قرارداد دوستی و کشتیرانی بین امپراتوری آلمان و ایران منعقد گردیده که از جمله مفاد این قرارداد احداث نمایندگی دائم در دو کشور بوده است. ۱۱ سال پس از عقد این قرارداد و در تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۸۸۴ اولین نمایندگی آلمان در دربار ناصرالدین شاه تأسیس و آقای ارنست فون برانشوایگ به عنوان نماینده ویژه آلمان به ایران اعزام شد. از آن زمان، سفارت جمهوری فدرال آلمان در ایران فعالیت دارد. هم اکنون این سفارت با بهره‌گیری از کارشناسان مختلف در سه سطح اقتصادی، فرهنگی و علمی و آموزشی، روابط دوجانبه با جمهوری اسلامی ایران را پیگیری می‌نماید. در تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۳۵۴ نیز اتاق بازرگانی و صنایع ایران و آلمان در اداره ثبت شرکت‌ها در ایران ثبت شد. در آغاز فعالیت این اتاق با بیش از ۱۳۷ عضو ایرانی و آلمانی شروع به فعالیت نمود. امروز این اتاق بیش از ۲۰۰۰ شرکت عضو دارد و به یکی از قوی‌ترین اتاق‌های بازرگانی خارج از آلمان تبدیل شده است. این اتاق موسسه‌ای مهم در روابط تجاری و سرمایه‌گذاری بین ایران و آلمان می‌باشد. همچنین این اتاق تنها اتاق بازرگانی و صنایع اروپایی مستقل در ایران است که علاوه بر خدمات متعدد به شرکت‌ها و اشخاص حقیقی این امکان را می‌دهد که روابط تجاری جدیدی بین دو کشور برقرار نمایند و همکاری‌های موجود را توسعه بخشند (Informationen zur Wirtschaft in Iran, 2018).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با وجود نگاه بدبینانه به ایران و حمایت کشورهای غربی در جنگ تحمیلی به سود عراق، در تیرماه ۱۳۶۳ گنشر وزیر خارجه آلمان به ایران

سفر نمود. این اولین سفر وزیر امور خارجه یک کشور غربی، جامعه اروپا و ناتو به ایران پس از انقلاب بود. وی در این سفر کوشید تا هویت انقلابی و احساس تضاد این هویت با ارزش‌های غربی را به رسمیت بشناسد و حساب آلمان را از سایر کشورهای غربی جدا نماید. همچنین این دولت در تصویب قطعنامه شماره ۵۹۸ شورای امنیت مبنی بر متجاوز شناخته شدن عراق در جنگ با ایران نقش موثری ایفا نمود. همزمان با روی کار آمدن دولت هاشمی رفسنجانی و اتحاد دو آلمان در سال ۱۳۶۹ که این کشور را قادر ساخت بصورت رسمی استقلال خود را به مثابه یک کل بازابد، سطح جدیدی از همکاری‌های همه جانبه بویژه در حوزه اقتصادی بین دو کشور آغاز گردید. به نحوی که حجم مبادلات دو کشور به بیش از ده میلیارد مارک رسید (شفیعی و رضائی، ۱۳۹۲: ۵۴۶). البته در همین دوره زمانی عواملی همانند فتوای علیه سلمان رشدی، ترور رهبران کرد در رستوران میکونوس و حکم دادگاه آن، دستگیری و محاکمه شهروندان آلمانی و ترور رضا مظلومان از جمله مسائلی بودند که روابط دو کشور را وارد تنش نمود، لیکن علیرغم این مسائل بسیاری از تحلیلگران از روابط دو کشور در این برهه زمانی با عنوان روابط ویژه یاد کردند. این روابط در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی نیز با اتخاذ سیاست تنش‌زدایی با کشورهای جهان و مشارکت در مباحث بین‌المللی از جمله ایده گفتگوی تمدن‌ها با روند فزاینده‌ای ادامه یافت لیکن با به قدرت رسیدن احمدی نژاد در ایران و مرکل در آلمان و نزدیکی بیشتر این کشور به ایالات متحده و طرح مسایلی همانند هولوکاست، برنامه انرژی هسته‌ای ایران، سیاست‌های منطقه‌ای و گاهاً تهاجمی ایران نسبت به اسرائیل با دوره‌ای از رکود مواجه شد. بطور خلاصه رویکردهای آلمان نسبت به ایران را می‌توان در قالب گفتگوهای ایران و اتحادیه اروپا دسته‌بندی نمود. براین اساس طی سال‌های ۱۹۷۹ لغایت ۱۹۹۸ رویکرد تعامل انتقادی، از سال ۱۹۹۸ لغایت ۲۰۰۳ رویکرد تعامل سازنده، از سال ۲۰۰۳ لغایت ۲۰۰۶ رویکرد تعامل مشروط، از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ رویکرد مهار به واسطه تعامل و از سال ۲۰۱۳ به بعد گسترش همکاری‌های اقتصادی و سیاسی تقسیم‌بندی نمود. در این میان سیاست خارجی دولت یازدهم و تلاش برای حل و فصل مشکلات با جهان خارج با استقبال کشورهای اروپایی

بویژه آلمان مواجه شده است. در این توسعه مناسبات مشترک سیاسی، اقتصادی و امنیتی باعث نزدیکی و همکاری دو کشور در آینده خواهد شد (سنایی، ۱۳۹۴: ۱۴).

۲-۳. عوامل سیاسی مؤثر بر روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و آلمان

با در نظر داشتن ساختار مذکور و برای درک بهتر نقش ویژه آلمان به عنوان یکی از قدرت‌های اروپایی در رابطه با جمهوری اسلامی ایران همواره باید سه نکته کلیدی زیر را مد نظر قرارداد:

- نخست: آلمان به عنوان یک بازیگر قوی و اصلی در رابطه با حفظ تمامیت ارضی اسرائیل ایفای نقش می‌نماید و در عین حال دارای یک ارتباط سستی و پایدار با جمهوری اسلامی ایران بوده است. لذا همواره به عنوان یک طرف گفتگوی معتبر در دو کشور شناخته می‌شود.

- دوم: از یک سو آلمان به عنوان یک بازیگر عمده و قوی در عرصه دیپلماسی و منتقد دخالت‌های ایالات متحده آمریکا است و از سوی دیگر دارای منافع گسترده اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این دو مسأله منجر به ایجاد نفوذ سیاسی و اقتصادی قابل توجه آن کشور بویژه در منطقه شده و کمتر مورد انتقاد دولت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است.

- سوم: وزارت امور خارجه آلمان، دانش فنی قابل توجهی در پیشبرد و رهبری مذاکرات چندجانبه دارد و با استناد به همین مسأله، هلگا اشمیت به عنوان مذاکره کننده ارشد از طرف این وزارتخانه به اتحادیه اروپا برای شرکت در مذاکرات چندجانبه با ایران تعیین شد (مصطفی جوکار، ۱۳۹۶: ۵۲-۵۰).

همانگونه که گفته شد، عوامل متعددی بر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آلمان مؤثر هستند که طبعاً می‌توانند مورد بحث و بررسی قرار گیرد. لیکن با هدف تمرکز بر مسائل اصلی، تلاش شده تا مولفه‌هایی همانند نقش تروریسم و افراطی‌گری، ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی و حقوق بشر را به عنوان مسائلی که همواره در روابط دوجانبه مؤثر بوده‌اند، مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

۳-۲-۱. مبارزه با تروریسم بین‌المللی و افراط‌گرایی

همکاری امنیتی دو کشور در مبارزه با تروریسم به دنبال سفر برنند اشمید باور، وزیر مشاور صدراعظم آلمان و مسئول هماهنگی سرویس‌های اطلاعاتی فدرال به تهران در سال ۱۹۹۲ آغاز شد. ایران به عنوان دارنده یک دستگاه امنیتی و اطلاعاتی مسلط بر جریان‌های تروریستی می‌تواند به آلمان در زمینه مبارزه با تروریسم و تحقق یکی از اهداف اصلی امنیت ملی آن کمک کند (سنایی، ۱۳۹۴: ۱۱). بحث مبارزه با تروریسم در دو سطح متفاوت در روابط ایران و آلمان همواره مطرح بوده است. سطح اول موضوع مبارزه با داعش در سه سال گذشته است که یکی از مهم‌ترین موضوعات پیوند دهنده ایران به مباحث منطقه‌ای و مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی بوده است. این مبارزه فرصت مناسبی را برای گفتگو با ایران و همکاری محدود با کشورهای غربی بویژه آلمان فراهم کرد. ثبات در عراق و سوریه نگرانی مشترک طرفین است. در حالیکه در اوایل مبارزه با داعش، ایران در پی این بود که حضورش را تا حد ممکن به صورت محدود حفظ کند تا «نیروهای رزمنده را از عقب (از درون مرزهای خود) هدایت کند»، تردیدی درباره قدرت بخشیدن به گروه‌های محلی برای جنگ با داعش نداشت. در تلاش برای تضعیف فرقه‌گرایی در جنگ با داعش در عراق، ایران چندین گروه را مسلح کرد که شامل ارتش عراق و کردهای سنی می‌شود که باعث حضور مستمر ایران در عراق شده است. توانایی ایران در محدود کردن و کنترل گروه‌های نظامی شیعه در جنگ علیه داعش مشخص کرد که عراقی‌ها، قدرت‌های منطقه‌ای و بقیه جامعه بین‌المللی چه دیدگاهی نسبت به ایران و سیاست‌هایش دارند. ایران و آلمان اهداف مشابهی در عراق دارند: جلوگیری از تجزیه، جنگ احتمالی ویرانگر داخلی فرقه‌ای و شکست داعش (Parsi, 2016: 19). در حالیکه مبارزه با داعش در عراق فرصتی را برای گفتگو با ایران در اختیار قرار می‌دهد، درگیری در سوریه دردسر بیشتری دارد. در اینجا، ایران و آلمان اهداف متفاوتی دارند. ایران می‌خواهد که نظام علوی در قدرت باقی بماند، در حالیکه آلمان می‌خواهد بشار اسد و نظامش از قدرت کنار بروند. با این حال، هر دو می‌خواهند که از شر داعش در سوریه خلاص شوند (Iran's Spoiler Role in Syria Peace Process, 2018).

سطح دوم از مباحث مرتبط با تروریسم در روابط ایران و آلمان، موضوع گروه‌های خرابکار یا تروریستی هستند که در داخل ایران یا اروپا فعالیت دارند. عموماً رهبران و عناصر اصلی این گروه‌های تروریستی در سایر کشورهای جهان ساکن هستند. در طرف ایرانی، یکی از مواردی که بر مناسبات ایران و آلمان تأثیرگذار است، موضوع گروهک تروریستی پژاک است که به زعم انجام عملیات تروریستی مکرر در مرزهای غربی ایران، برخی از سران آن، به عنوان شهروند آلمان در این کشور زندگی می‌کنند. در سفر گیدو وستروله وزیر امور خارجه وقت آلمان به ایران آقای صالحی وزیر امور خارجه وقت ایران از وی خواست از فعالیت این گروهک تروریستی ممانعت به عمل آید (سنایی، ۱۳۹۴: ۱۲). همچنین بخشی از گروه تروریستی مجاهدین خلق نیز در این کشور فعالیت دارند که همواره مورد اعتراض دولت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با آلمان قرار داشته‌اند. همچنین، پس از انقلاب ۱۳۵۷ برخی کشورها، سازمان‌ها و دادگاه‌ها جمهوری اسلامی را به دست داشتن در اقدامات تروریستی یا حمایت از گروه‌های تروریستی متهم یا محکوم کرده‌اند. از جمله این کشورها می‌توان به فرانسه، آلمان، آرژانتین، سوئد و انگلیس اشاره نمود. دولت آلمان نیز چند تن از مقامات بلندپایه ایران را که در دادگاه میکونوس به دخالت در عملیات تروریستی محکوم شده بودند را تحت پیگرد قضایی قرار داده‌است (Katzman, 2018: 55). جدول شماره (۱) تعداد و نوع اقدامات تروریستی صورت گرفته در خاک اروپا که از منظر کشورهای اروپایی ایران متهم به دست داشتن در آن شده و یا به نحوی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران است، را نشان داده است.

جدول شماره ۱. تعداد و انواع اقدامات تروریستی متناسب به ایران در خاک اروپا

زمان	مکان	اقدام صورت گرفته	نتیجه
نوامبر ۲۰۱۸	سوئد	برنامه‌ریزی برای انجام عملیات علیه برخی از معاندین و مخالفین ایران که در حمله تروریستی اهواز دست داشتند.	کشف
مارس ۲۰۱۸	آلبانی	دو فرد ایرانی به اتهام برنامه‌ریزی برای حمله تروریستی در تیرانا دستگیر شدند.	کشف
ژانویه	آلمان	دفترکار و خانه ۱۰ نفر از ایرانیان که مظنون به همکاری با	کشف

	سپاه قدس یا عضو این گروه نظامی در برلین مورد تفتیش قرار گرفت.		۲۰۱۸
کشف	برنامه‌ریزی برای حمله به نشست سران و متحدان مجاهدین خلق در پاریس	بلژیک	آگوست ۲۰۱۷
کشف	دستگیری دو ایرانی به جرم شنود و تعقیب رئیس سابق گروه دوستی آلمان و اسرائیل	آلمان	دسامبر ۲۰۱۶
کشف	دو دیپلمات ایرانی به عنوان عنصر اطلاعاتی شناخته شدند و به دلیل جاسوسی و ارتباط با تروریسم اخراج شدند.	یوسنی و هرزه گوین	آوریل ۲۰۱۳
کشف	شناسایی چهار عامل ایرانی با هدف حمله به اهداف اسرائیلی که توسط مقامات ترکیه‌ای شناسایی شدند.	ترکیه	مارس ۲۰۱۲
کشف	دستگیری یک ایرانی که قصد حمله به یک کنیسه را داشت	بلغارستان	جولای ۲۰۱۲
انجام شد	کشته شدن یکی از اعضای شورای مرکزی مقاومت ایران	ترکیه	فوریه ۱۹۹۶
انجام شد	کشته شدن رضا مظلومان معاون وقت وزارت بهداشت در دوران شاه و استاد دانشگاه تهران	فرانسه	می ۱۹۹۶
انجام شد	کشته شدن چهار نفر از روسای احزاب کرد در رستوران میکونوس برلین	آلمان	سپتامبر ۱۹۹۲
انجام شد	کشته شدن فریدون فرخزاد خواننده مخالف دولت ایران	آلمان	آگوست ۱۹۹۲
انجام شد	دو مأمور ایرانی ترور نخست وزیر سابق ایران، شاهپور بختیار، رهبری جنبش رژیم ضد ایرانی را بر عهده داشتند. یک مأمور محکوم شد، دو نفر فرار کردند.	فرانسه	آگوست ۱۹۹۱
انجام شد	کشته شدن عبدالرحمان برومند عضو ارشد گروه مقاومت ملی ایران	فرانسه	آوریل ۱۹۹۱
انجام شد	کشته شدن سیروس الهی عضو ارشد گروه مخالف درفش کاویانی	فرانسه	اکتبر ۱۹۹۰
انجام شد	کشته شدن عفت قاضی دختر قاضی محمد رهبرمخالف کرد و رئیس اقلیم مهاباد	سوئد	سپتامبر ۱۹۹۰
انجام شد	کشته شدن علی کفش‌پور عضو ارشد حزب دمکرات	ترکیه	جولای

	کردستان		۱۹۹۰
انجام شد	کشته شدن کاظم رجوی برادر مسعود رجوی رهبر گروه مجاهدین خلق	سوئیس	آوریل ۱۹۹۰
انجام شد	کشته شدن غلام کشاورز از رهبران کمونیست مخالف ایران	قبرس	آگوست ۱۹۸۹
انجام شد	ترور رئیس گروه مخالف کردی و دو نفر دیگر	اتریش	جولای ۱۹۸۹
انجام شد	کشته شدن حمیدرضا چیتگر معاون اول حزب کار ایران	اتریش	می ۱۹۸۷
انجام شد	کشته شدن علی اکبر محمدی خلبان اکبر هاشمی رفسنجانی در هامبورگ	آلمان	ژانویه ۱۹۸۷
انجام شد	فراهم‌سازی امکانات برای بمب‌گذاری حزب الله لبنان در فرانسه که منجر به کشته شدن ۱۲ نفر و ۲۰۰ مجروح شد	فرانسه	دسامبر ۱۹۸۵ تا سپتامبر ۱۹۸۶
انجام شد	فراهم‌سازی امکانات برای هواپیمارمایی توسط حزب الله لبنان در یونان که منجر به کشته شدن یک غواص نیروی دریایی آمریکا شد	یونان	ژوئن ۱۹۸۵
انجام شد	کشته شدن غلامحسین اویسی حاکم نظامی تهران	فرانسه	فوریه ۱۹۸۴
انجام شد	کشته شدن خواهرزاده شاه ایران در پاریس	فرانسه	دسامبر ۱۹۷۹

(Iran Ministry of Intelligence and Security: A Profile, 2012: 53-54) .

(Select Iran-Sponsored Operational Activity in Europe, 2018) .

مسأله تروریسم تا پیش از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در گفتگوهای تهران و بروکسل در سایه موضوعات اقتصادی قرار می‌گرفت، اما پس از ۱۱ سپتامبر و افزایش فشار آمریکا بر اتحادیه اروپا، موضع این اتحادیه به آمریکا نزدیک‌تر شد و برای نخستین بار اجماع جهانی برای حل این مسأله پدید آمد. دولت آمریکا ایران را متهم به حمایت از چندین گروه تروریستی در نقاط مختلف جهان همچون گروه حزب الله، گروه حماس کرده است. در گزارش آمریکا درباره تروریسم در سال ۲۰۱۶ که توسط وزارت امور

خارجی این کشور در ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۷ در هفت فصل منتشر گردید، ادعا شده که ایران همچنان در رأس کشورهای حامی تروریسم است و تهدیدهای ایران علیه منافع آمریکا و متحدان آن باقی است (Country Report on Terrorism, 2016: 218). وزارت خارجه ایالات متحده اعلام داشت، با وجود توافق جامع قدرت‌های جهانی بر سر برنامه هسته‌ای ایران، اما این کشور، همچنان اصلی‌ترین کشور حامی تروریسم در جهان است (Treasury Designates Iran, 2016).

۲-۲-۳. نقش ایالات متحده آمریکا

اولین تفاوت و عدول آلمان از موضع ایالات متحده آمریکا در حوزه سیاست خارجی، موضوع ایران و در چارچوب سیاست مهار بود. با اینکه آمریکا بطور مداوم، پس از جنگ سرد و در چارچوب سیاست مهار دوگانه، بر منزوی ساختن ایران از طریق اعمال فشار بین‌المللی و تحریم تاکید می‌کرد. آلمان نه تنها خط مشی تغییر از طریق مرآده و نیز تعامل را در دستورکار سیاست خارجی خود نسبت به ایران قرارداد، بلکه آن را تبدیل به یک رویکرد اروپایی در قامت سیاست خارجی مشترک اروپایی کرد (کیانی، ۱۳۹۲: ۱۷۰). لیکن این میزان از همکاری و نزدیکی به دلایل مختلف رو به کاهش گذاشت. یکی از مهم‌ترین عواملی که بر روابط دو کشور مؤثر بود، قدرت گرفتن حزب دمکرات مسیحی به رهبری مرکل در انتخابات سال ۲۰۰۵ و از سوی دیگر پیروزی اصولگرایان در انتخابات و روی کار آمدن دولت احمدی نژاد بود. در این دوره گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز دستخوش تغییر شد. در میان کشورهای غربی این رویکرد بیشترین تأثیر را بر آلمان گذاشت. زیرا دولت آلمان مبتکر گفتگوهای انتقادی بود و تلاش‌های بسیاری برای به نتیجه رساندن پرونده هسته‌ای نمود. رویکرد جدید هسته‌ای در کنار انکار هولوکاست، پرونده ایران را بیش از پیش پررنگ نمود. در همین حال در این دوران، به دلیل در پیش گرفتن سیاست‌های نسبتاً مستقل توسط شرکت‌های آلمانی درخصوص رابطه با جمهوری اسلامی ایران، شاهد فشارهای سیاسی آمریکا بر آلمان بودیم. پس از مطرح شدن پرونده ایران در شورای امنیت سازمان ملل و صادر شدن چهار قطعنامه در طول چهارسال بر طبق بند هفتم

منشور سازمان ملل، نه تنها به فشارهای آمریکا بر دولت آلمان برای کاهش روابط تجاری با ایران افزوده شد، بلکه حتی شرکت‌های آلمانی طرف قرارداد با ایران نیز توسط دولت آمریکا مورد تهدید قرار گرفتند. در این راستا بیمه هرمس سقف تضمین بیمه صادرات شرکت‌های آلمانی را از ۳/۳ میلیارد دلار به ۱/۲ میلیارد دلار کاهش داد. این تحولات تأثیرات گسترده‌ای را بر روابط ایران و آلمان گذاشت (نجفی، ۱۳۹۶: ۱۲۹-۱۲۸). پس از انجام توافق هسته‌ای و برداشته شدن تحریم‌های بین‌المللی، تاحدودی توان امکان اعمال نفوذ ایالات متحده آمریکا بر کشورهای اروپایی بویژه آلمان گرفته شد. اما با به قدرت رسیدن ترامپ به عنوان رئیس جمهور جدید ایالات متحده و اعلام خروج از برجام و بازگشت تحریم‌ها توسط این کشور، مجدداً محدودیت‌ها و محذورات شرکت‌ها و بانک‌های آلمانی برای همکاری با ایران قوت گرفت. علیرغم صدور بیانیه مشترک توسط مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و وزرای امور خارجه کشورهای آلمان، فرانسه و انگلستان و همچنین بیانیه مشترک وزرای اقتصاد این کشورها مبنی بر تعهد به همکاری با جمهوری اسلامی ایران برخی از شرکت‌های آلمانی که برای ورود به بازار ایران و سرمایه‌گذاری در صنایع مختلف اعلام آمادگی کرده بودند، به دلیل واکنش از اقدامات تنبیهی ایالات متحده آمریکا فعالیت خود را متوقف نمودند که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

- شرکت دویچه بان آلمان: شرکت ساخت راه‌آهن دویچه بان که از طریق زیرمجموعه خود، شرکت مهندسی و مشاور دی‌بی، در صدد اجرای دو پروژه در ایران بود در ماه اوت به رویترز گفت که این پروژه‌ها در ماه‌های اوت و سپتامبر متوقف می‌شود (شرکت‌های که از ترس آمریکا رفتند، ۱۳۹۷).

- شرکت زیمنس آلمان: مدیرعامل زیمنس در ماه می اعلام کرد که به دلیل بازگشت تحریم‌های آمریکا این شرکت هیچ قرارداد تازه‌ای با ایران امضا نخواهد کرد. احداث خط آهن برقی بین تهران و مشهد و راه‌اندازی قطار پرسرعت بین تهران و اصفهان از جمله پروژه‌هایی بود که در تفاهم‌نامه میان ایران و این شرکت آمده بود. تحویل سه توربین گازی به ایران هم به حال تعلیق در آمد (Wald, 2018).

- شرکت دوئر آلمان: شرکت تأمین قطعات خودروی دوئر در ماه اوت اعلام کرد که به دلیل تحریم‌های آمریکا فعالیت خود را در ایران متوقف می‌کند. یکی از مدیران این شرکت گفت که دوئر در سال ۲۰۱۷ دو قرارداد با ایران امضا کرده بود. به گفته این مدیر «با وجود رونق فضای تجاری در ایران در سال گذشته میلادی ما فعلاً مجبور به توقف فعالیت‌هایمان در ایران هستیم» (Wald, 2018).

- شرکت دایملر آلمان: شرکت خودروسازی دایملر در ماه اوت اعلام کرد که تا اطلاع ثانوی و در ارتباط با تحریم‌های مربوطه فعالیت‌های خود را در ایران معلق می‌کند. شرکت دایملر در بیانیه‌ای اعلام کرد که بازار ایران از آنچه انتظار داشته به مراتب ضعیف‌تر بوده و تاکید کرد که تولید یا فروش خودرو یا کامیون‌های مرسدس را در ایران از سر نگرفته است. شرکت دایملر تراکس آلمان ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۷ به بی‌بی‌سی فارسی گفته بود که با گروه صنعتی ایران خودرو قرارداد فروش و توزیع کامیون‌های دایملر در ایران را امضا کرده است. (شرکت‌های که از ترس آمریکا رفتند، ۱۳۹۷)

- بانک DZ آلمان: این بانک اعلام کرد که معاملات مالی خود را با ایران از تاریخ اول ژوئیه متوقف می‌کند.

- شرکت آلیانس آلمان: این شرکت بزرگ بیمه آلمانی یک هفته بعد از اعلام خروج آمریکا از برجام گفت که در حال بررسی طرح‌هایی برای کاهش فعالیت‌های خود در ایران است (Wald, 2018).

- شرکت BASF آلمان: بزرگ‌ترین شرکت صنایع شیمیایی جهان در ماه سپتامبر تعهد جدی خود به رعایت تحریم‌های آمریکا علیه ایران را اعلام کرد. این شرکت در بیانیه‌ای گفت که تلاش می‌کند حضور تجاری خود را در ایران حفظ کند اما شدیداً به تمام مقررات جاری پایبند خواهد بود. این شرکت که قصد سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران را دارد با اجرای دور دوم تحریم‌های آمریکا علیه ایران و با توجه به اعلام پایبندی به این تحریم‌ها با محدودیت شدید روبرو شده است.

- شرکت بیل‌فینگر آلمان: شرکت مهندسی بیل‌فینگر در ماه اوت اعلام کرد که قصد امضای هیچ‌گونه قرارداد تازه‌ای را با ایران ندارد. این شرکت در سال ۲۰۱۶ قراردادی را برای کنترل سیستم‌های یکی از پالایشگاه‌های ایران امضا کرده بود.

- شرکت دویچه تله کام: شرکت دته‌کون، شاخه فن‌آوری اطلاعات تله‌کام آلمان که قراردادی مشاوره‌ای با ایران داشت، در ماه اوت فعالیت‌های خود را متوقف کرد. یکی از سخنگوهای این شرکت به رویترز گفت تا زمان توقف فعالیت‌ها درآمد آن‌ها در ایران به حدود ۳۰۰ هزار یورو رسیده بود (شرکت‌های که از ترس آمریکا رفتند، ۱۳۹۷).

۳-۲-۳. رژیم اسرائیل و فرایند صلح خاورمیانه

جمهوری اسلامی ایران براساس معیار اسلامی و اصول بین‌المللی، موجودیت اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد و حکومت اسرائیل را حکومتی غاصب و متجاوز به حقوق فلسطینیان می‌داند، در حالی که آلمان روابط بسیار صمیمانه و گرمی با اسرائیل دارد. گویی آلمان خود را در مسأله کشتار یهودیان به وسیله هیتلر مقصر می‌داند، و از همین روی، درصدد است تا خود را از این اتهام تبرئه نماید. این کشور انتظار دارد جمهوری اسلامی ایران از مخالفت با صلح خاورمیانه دست برداشته و از حزب الله لبنان حمایت نکند (اطاعت و رضائی، ۱۳۹۱: ۱۷۷). لابی اسرائیل در داخل آلمان از ابزارهای گسترده‌ای برای تاثیرگذاری بر افکار عمومی و احزاب برخوردار است. مواضع ایران در مورد هولوکاست و انتقاد از جنایات اسرائیل، باعث گرایش بیشتر آلمان به این رژیم و حمایت‌های لفظی و شفافی از اسرائیل و منوط کردن بهبود روابط ایران و آلمان به اصلاح نگاه ایران به این رژیم شده است. ایران مدت‌ها به دنبال این بوده (و هنوز هست) که خود را حامی مقاومت در برابر اسرائیل جلوه دهد که نماد امپریالیسم غربی و دخالت در منطقه تلقی می‌شود. بنابراین ایران چندین شیوه را برای فشار بر اسرائیل ابداع کرده و راه اصلی حمایت از گروه‌های مخالف فلسطینی و همچنین حمایت همیشگی از حزب الله است. در این شرایط، سوریه هم متحد اصلی ایران بوده که موجب شده دچار «تنهایی راهبردی» نشود و با حفظ متحد عرب در قلب خاورمیانه و تضمین مسیرهای



انتقال سلاح، عمق راهبردی خود را افزایش دهد. هدف نهایی ایران در سوریه این است که سوریه (یا حداقل بخشی از آن) را به عنوان پل راهبردی با حزب الله حفظ کند تا عمق و فشار جغرافیایی راهبردی اش را بر روی اسرائیل حفظ کند (Parsi, 2017:58). البته باید ایران را جزئی از ذی نفعان فرایند صلح بدانیم تا کاری را انجام دهیم که به گفته آرون لاند در سال ۲۰۱۴، تنها راه حل واقع گرایانه برای بحران سوریه است: «دولت‌های خارجی باید به تدریج توافقاتی را انجام دهند تا طرفین معتبری از هر دو طرف وارد مذاکره شده و جنگ و مبارزات افراطی را کمتر کنند و با یک توافق سیاسی متقابل، این وضعیت را به ثبات برسانند» (Parsi, 2017:61). در رابطه با اسرائیل نیز باید گفت که علیرغم لحن محافظه کاران، روحانی و دولتش خواستار تلطیف لحن و مقابله کمتر با تل آویو شده‌اند. نمونه‌های این اتفاق محکومیت هولوکاست از سوی روحانی و ظریف (بر خلاف انکار همیشگی هولوکاست توسط احمدی نژاد)، تبریک ظریف بابت روش هشنه به یهودیان و اظهارات جنجالی اش است که اگر اسرائیل به دنبال صلح با فلسطین باشد، حاضر به رسمیت شناختن آن است. اما مانند سایر پرونده‌های مهم، اظهارات عملی روحانی و کابینه اش همواره با مخالفت نهادهای بالادستی و یا محافظه کار همراه است. برخلاف سایر دول اروپایی، اسرائیل در سیاست خارجی آلمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سابقه یهودستیزی در آلمان در طول جنگ جهانی دوم و تلاش آلمان پس از جنگ جهت جبران این مسأله، دلیل اصلی در خصوص برقراری روابط خاص میان اسرائیل و آلمان است. در همین رابطه باید گفت اسرائیل تنها کشوری است که در قانون اساسی آلمان نسبت به برقراری روابط خاص با آن نام برده شده و بر آن تاکید شده است (اطاعت و رضائی، ۱۳۹۱: ۱۸۵).

۳-۲-۴. حقوق بشر

انتقاد آلمان از وضعیت حقوق بشر در ایران با قضیه سلمان رشدی پررنگ شد و به دنبال قضیه میکونوس افزایش یافت. در گفتگوهای انتقادی و سازنده نیز حقوق بشر همواره بخش عمده‌ای از گفتگوها را به خود اختصاص می‌داد. آلمان به عنوان یکی از کشورهای تاثیرگذار در اتحادیه اروپا، همواره بر لزوم رعایت حقوق بشر توسط دولت

ایران تاکید نموده است. تا دسامبر سال ۲۰۰۷، چهار دور مذاکرات حول محور حقوق بشر برگزار شد و آخرین آن متعلق به ژوئن سال ۲۰۰۴ بود که نتایج به دست آمده بسیار ناامیدکننده بود. علی‌رغم دیدار نمایندگان سه کشور بزرگ اروپا یعنی بریتانیا، فرانسه و آلمان از تهران در تاریخ ۱۴ تا ۱۵ ژوئن سال ۲۰۰۴ و پیشنهاد اتحادیه اروپا برای برگزاری دور پنجم مذاکرات، ایران با برگزاری دور جدید گفتگوها موافقت نکرد (Council Regulation(EU) No 267/2012,2005).

اتحادیه اروپا پس از روی کار آمدن احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور در ایران، اعلام نمود؛ از آنجایی که دولت ایران هیچ‌گونه قصدی نسبت به ادامه نشست‌های مربوط به حقوق بشر اتحادیه اروپا از خود نشان نمی‌دهد، در نتیجه اکنون اتحادیه اروپا در مورد استراتژی خود تجدید نظر کرده است، یعنی اینکه با خود مردم سروکار دارد تا با دولت و مستقیماً به فعالان حقوق بشر کمک می‌کند (European Parliament Resolution on the EU's approach towards Iran, 2011). بعد از حصول به توافق هسته‌ای، مذاکرات مربوط به وضعیت حقوق بشر در ایران، در جریان برگزاری دو دور از مذاکرات هیات‌های بلندپایه طرفین برگزار شد. آخرین نشست مربوط به این مذاکرات در سپتامبر ۲۰۱۷ در تهران بود. بنابراین حقوق بشر در آینده مناسبات سیاسی ایران و آلمان نیز تاثیرگذار خواهد بود.

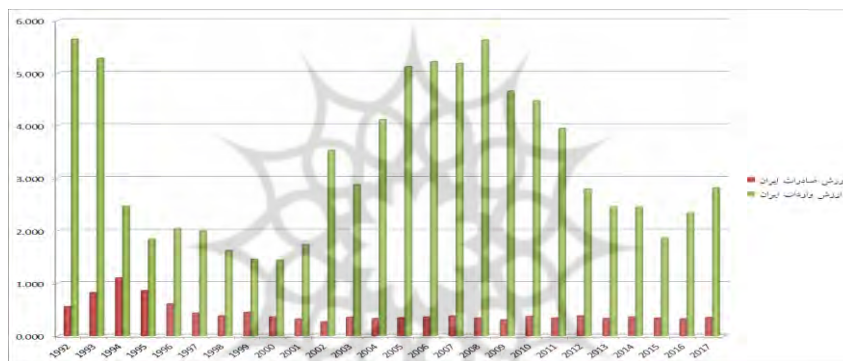
۴. اقتصاد سیاسی تجاری و سرمایه‌گذاری آلمان در ایران

پس از ایجاد توافق هسته‌ای و با رفع تحریم‌های سازمان ملل، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، در ماه می سال ۲۰۱۶ بیش از ۱۰۰ شرکت آلمانی در سمینار تجارت و سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران و آلمان مشارکت نمودند. در ماه ژوئن همان سال ایران بدهی هنگفت ۵۷۵ میلیون یورویی خود به بیمه اعتباری هرمس را که مربوط به دوران قبل از تحریم بود، پرداخت نمود. از این زمان بیمه مذکور برای اعطای اعتبار جدید به شرکت‌های تجاری و همچنین صدور تضمین‌های تجاری برای سرمایه‌گذاران آلمانی اعلام آمادگی نمود. در همین راستا پنجمین اجلاس کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور نیز پس از یک وقفه ۱۵ ساله با مشارکت هیات‌های

تجاری دو کشور در تهران برگزار شد و چندین سند همکاری و قرارداد مشترک بین شرکت‌های دو کشور منعقد گردید (External Economic Policy, 2018). حجم تجارت دو کشور در این برهه از زمان با افزایش ۲۵ درصدی به بیش از ۴ میلیارد یورو رسید. در سفرهای متعددی که بین مقامات دو کشور برگزار گردید، همواره بر لزوم گسترش همکاری‌های تجاری و سرمایه‌گذاری تاکید شد و طرفین آمادگی خود را برای افزایش این همکاری‌ها اعلام نمودند.

نمودار شماره ۱. تجارت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدرال آلمان طی سال‌های

۱۹۹۲ لغایت ۲۰۱۷



منبع: (گمرک جمهوری اسلامی ایران).

همانگونه که در نمودار مذکور ملاحظه می‌شود، بیشترین میزان تجارت بین دو کشور در دوره زمانی ۲۰۰۳ لغایت ۲۰۰۹ بوده که بعد از این دوره همزمان با اوج گیری اختلافات هسته‌ای و وقوع بحران مالی بین‌المللی از حجم تجارت بین دو کشور کاسته شده است. هرچند در دوره زمانی بعد از برجام یعنی سال‌های ۲۰۱۵ لغایت ۲۰۱۷ مجدد روند صادرات جمهوری آلمان به ایران افزایش یافته است لیکن هنوز با سطح قبلی از حجم تجارت بین دو کشور فاصله معناداری دارد. همچنین در دوره زمانی ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۱ نیز علیرغم اعلام آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای اروپای بویژه آلمان، لیکن حجم مبادلات از میزان قابل توجهی برخوردار نبوده

است. البته در این خصوص مسائل و مشکلات سیاسی و اختلافات ناشی از جمله بحران میکونوس، صدور فرمان قتل سلمان رشدی و غیره بی‌تأثیر نبوده است.

جمهوری فدرال آلمان همواره از دو منظر مورد توجه جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است. نخست بهره‌برداری از فناوری و توانمندی‌های شرکت‌های آلمانی و دوم بهره‌گیری از منابع مالی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در بخش‌های مختلف اقتصادی که ظرفیت بالایی برای همکاری با شرکت‌های آلمانی دارند. علیرغم قدمت روابط اقتصادی و سیاسی دو کشور، حجم سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در جمهوری اسلامی ایران هرچند قابل مقایسه با سایر کشورهای اروپایی نمی‌باشد، لیکن موید ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود در دو کشور نیز نیست. براساس آمار و اطلاعات موجود، اولین سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران در دوران پس از انقلاب در سال ۱۹۹۴ صورت پذیرفته است. در چنین شرایطی طی ۲۰ سال گذشته یعنی از سال ۱۹۹۷ لغایت ۲۰۱۷ تعداد زیادی از شرکت‌های آلمانی در بخش‌های مختلف اقتصادی جمهوری اسلامی ایران سرمایه‌گذاری نموده‌اند که هریک از دوره‌های مذکور به شرح زیر می‌باشد:

۱-۴. دولت خاتمی در سال‌های ۱۹۹۷ لغایت ۲۰۰۴

در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و برگزاری گفتگوهای جامع بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اروپایی، سطح روابط سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدرال آلمان به بالاترین میزان خود رسید و کمترین میزان آسیب‌پذیری را نیز با خود به همراه داشت. در این دوران شرکت‌های آلمانی جمعاً بیش از ۱/۲۲۵ میلیارد دلار در پروژه‌های مختلف اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری نمودند. جدول شماره (۲) نشان دهنده میزان آمار مذکور است.

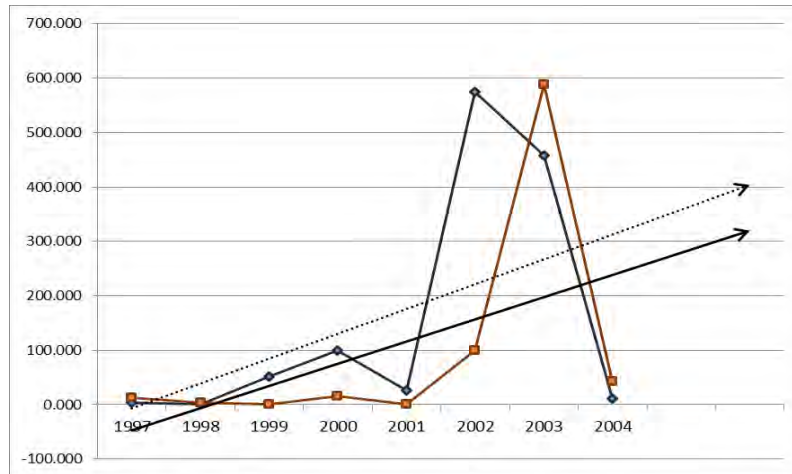
جدول شماره ۲. آمار سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در جمهوری اسلامی ایران

سال	آمار اعلامی	آمار جذب شده
۱۹۹۷	۴،۳۳۲	۱۲،۳۵۴
۱۹۹۸	۲۹۵	۴،۳۳۲
۱۹۹۹	۵۰،۹۱۶	۲۹۵
۲۰۰۰	۹۹،۳۰۰	۱۵،۵۰۱
۲۰۰۱	۲۶،۶۵۳	۵۲۳
۲۰۰۲	۵۷۴،۷۵۵	۱۰۰،۲۵۷
۲۰۰۳	۴۵۷،۹۸۳	۵۸۸،۶۴۵
۲۰۰۴	۱۱،۲۷۶	۴۲،۶۳۷

(Eurostat, 2018)

(UNCTAD, 2018)

همانگونه که در نمودار شماره (۲) قابل مشاهده است جریان ورود سرمایه‌گذاری و همچنین میزان اشتیاق شرکت‌های این کشور برای سرمایه‌گذاری در ایران با روندی رو به رشد و امیدوارکننده‌ای همراه بوده است. در زمان دولت اول و دوم خاتمی، آلمان در چندین پروژه در ایران حضور داشت. از جمله سفر وارنر مولر وزیر وقت اقتصاد آلمان در ۱۱ مهر ۱۳۷۹ به ایران که در خلال آن دو پروژه بزرگ اقتصادی مربوط به گسترش پتروشیمی بندر امام و پارس جنوبی به مجموع مبلغ ۸۵۰ میلیون پوند به شرکت آلمانی لینده واگذار شد. پیکان نقطه چین نشان دهنده میزان سرمایه‌گذاری اعلامی و پیکان ممتد نشان دهنده میزان سرمایه وارد شده به کشور می‌باشد. لذا می‌توان اذعان نمود که روابط سرمایه‌گذاری در این دوره زمانی علیرغم برخی اختلافات سیاسی چندان تأثیری از آن نپذیرفته و شرکت‌های آلمانی اطمینان خاطر کافی برای حضور در بازار ایران را داشته‌اند.



نمودار شماره ۲. جریان سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران طی سال‌های ۱۹۹۷ لغایت ۲۰۰۴

ساخت ۶ فروند کشتی اقیانوس پیما در سال ۱۳۸۱ به ارزش ۱۸۹ میلیون دلار بین شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و مجتمع کشتی‌سازی آکر آلمان و انتقال تکنولوژی ساخت کشتی‌های کانتینربر به شرکت‌های ایرانی از جمله توافقات مذکور بود. همچنین ساخت مجتمع پی‌وی‌سی توسط شرکت یواچ دی‌ای به ارزش ۵۰۹ میلیون دلار در منطقه ویژه پتروشیمی امام خمینی با همکاری سازمان نوسازی و گسترش صنایع ایران و پروژه تولید مشترک موتور برای اتوبوس شرکت ایدم تبریز زیر نظر ایران خودرو و شرکت دایملر کرایسلر به ارزش ۷ میلیون یورو به تعداد ۴۰۰۰ دستگاه موتور در سال بود. ۲۲/۵ درصد از سهام شرکت برای ایران خودرو و ۳۰ درصد متعلق به دایملر بوده است. در دوره مذکور کمترین میزان تقابل‌های سیاسی و اختلافات در سطح روابط دو کشور حاکم بود.

۲-۴. دولت احمدی‌نژاد در سال‌های ۲۰۰۵ لغایت ۲۰۱۲

در این دوره زمانی دو عامل به قدرت رسیدن حزب دمکرات مسیحی به رهبری مرکل و از سوی دیگر پیروزی اصولگرایان در انتخابات ریاست جمهوری در ایران، منجر به تغییر گفتمان حاکم بر سیاست خارجی ایران شد. رویکرد جدید هسته‌ای در کنار مسائلی نظیر انکار هولوکاست، پرونده ایران را بیش از پیش پررنگ نمود. جدول شماره

(۳) نشان دهنده میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در دوره مذکور در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

جدول شماره ۳. آمار سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران طی سال‌های ۲۰۰۵ لغایت ۲۰۱۲

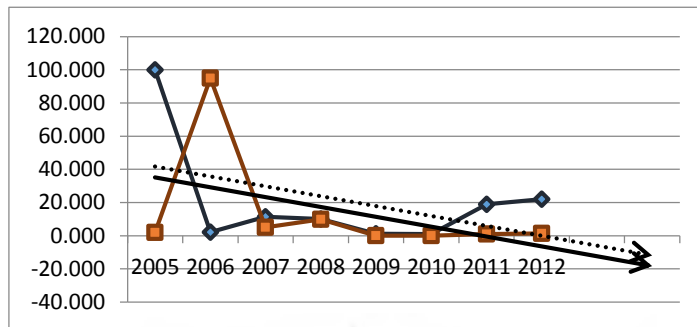
سال	آمار اعلامی (هزار دلار)	آمار جذب شده (هزار دلار)
۲۰۰۵	۹۹،۹۴۶	۱،۹۹۴
۲۰۰۶	۲،۰۴۹	۹۵،۰۱۰
۲۰۰۷	۱۱،۳۲۲	۴،۹۳۶
۲۰۰۸	۱۰،۱۲۵	۹،۸۳۸
۲۰۰۹	۱،۱۰۰	۰
۲۰۱۰	۸۹۶	۰
۲۰۱۱	۱۸،۹۵۶	۸۹۶
۲۰۱۲	۲۲،۰۳۰	۱،۴۵۲

(Eurostat, 2018)

(UNCTAD, 2018)

نمودار شماره (۳) نشان دهنده میزان و روند سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران است. در عین حال در همین دوران به دلیل در پیش گرفتن سیاست‌های نسبتاً مستقل توسط شرکت‌های آلمانی درخصوص روابط با جمهوری اسلامی ایران، شاهد فشار ایالات متحده بر آلمان نیز بودیم. پس از مطرح شدن پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت و صادر شدن چهار قطعنامه علیه ایران در طول چهارسال بر طبق بند هفتم منشور سازمان ملل متحد، نه تنها فشارهای دولت آمریکا بر آلمان برای کاهش روابط تجاری و سرمایه‌گذاری ایران بیشتر شد، بلکه شرکت‌های آلمانی طرف قرارداد با ایران توسط دولت آمریکا مورد تهدید قرار گرفتند. پیکان نقطه چین مشخص کننده جهت حرکتی آمار اعلامی سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی است که با سقوط قابل ملاحظه‌ای در دوره مذکور مواجه شده است. در عین حال آمار جذب سرمایه‌گذاری نیز با همین شیب به سمت صفر یا منفی میل نموده است. تنش سیاسی حاکم بر روابط دوجانبه از

جمله همراهی آلمان با ایالات متحده و اعمال تحریم‌های بین‌المللی از عوامل سیاسی مهم مؤثر بر روابط سرمایه‌گذاری در این دوره بوده است.



نمودار شماره ۳. جریان سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران طی سال‌های ۲۰۰۵ لغایت ۲۰۱۲

۳-۴. دولت روحانی در سال‌های ۲۰۱۲ لغایت ۲۰۱۸

با انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس دولت یازدهم، وزارت امور خارجه آلمان، ضمن تبریک این پیروزی برای بهبود روابط با ایران ابراز امیدواری نمود. همچنین آنگلا مرکل، صدراعظم وقت آلمان طی نامه‌ای تنفیذ حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور جدید ایران را تبریک گفت. در متن پیام آمده است: «جنابعالی در روزگاری دشوار مسئولیت بزرگی را به‌عهده می‌گیرید. انتخاب جنابعالی نوید بارور شدن این امید را می‌دهد که مرحله نوین همکاری سازنده برای صلح و امنیت در منطقه و جهان را در پیش رو داشته باشیم. آلمان مانند گذشته همداستان با همکاران بین‌المللی، سهم خود را ادا خواهد نمود تا با بهره‌گیری از راهکار گفتمان، راه‌حل‌های مناسب برای چالش‌های موجود پیدا گردد. باعث کمال مسرت اینجانب خواهد شد چنانچه دوره مسئولیت جنابعالی فرصت مناسب فراهم آید که بتوانیم با استفاده از آن، روابط خوب موجود بین دو ملت را عمیق‌تر نمائی‌ام». پس از ایجاد توافق هسته‌ای و با رفع تحریم‌های سازمان ملل، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، در ماه می سال ۲۰۱۶ بیش از ۱۰۰ شرکت آلمانی در سمینار تجارت و سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران و آلمان مشارکت

نمودند. در ماه ژوئن همان سال ایران بدهی هنگفت ۵۷۵ میلیون یورویی خود به بیمه اعتباری هرمس را که مربوط به دوران قبل از تحریم بود، پرداخت نمود. از این زمان بیمه مذکور برای اعطای اعتبار جدید به شرکت‌های تجاری و همچنین صدور تضمین‌های تجاری برای سرمایه‌گذاران آلمانی اعلام آمادگی نمود. در همین راستا پنجمین اجلاس کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور نیز پس از یک وقفه ۱۵ ساله با مشارکت هیات‌های تجاری دو کشور در تهران برگزار شد و چندین سند همکاری و قرارداد مشترک بین شرکت‌های دو کشور منعقد گردید (External Economic Policy, 2018). حجم تجارت دو کشور در این برهه از زمان با افزایش ۲۵ درصدی به بیش از ۴ میلیارد یورو رسید. در سفرهای متعددی که بین مقامات دو کشور برگزار گردید، همواره بر لزوم گسترش همکاری‌های تجاری و سرمایه‌گذاری تاکید شد و طرفین آمادگی خود را برای افزایش این همکاری‌ها اعلام نمودند. جدول شماره (۴) نشان‌دهنده میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در این دوره در ایران است.

جدول شماره ۴. سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران طی سال‌های ۲۰۱۲ لغایت ۲۰۱۸

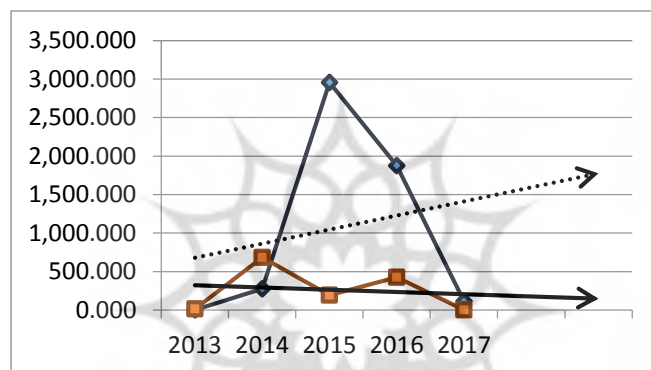
سال	آمار اعلامی (هزار دلار)	آمار جذب شده (هزار دلار)
۲۰۱۳	۳۰۰	۱۵
۲۰۱۴	۲۷۶،۴۱۵	۶۸۳
۲۰۱۵	۲،۹۵۶،۶۵۹	۱۹۳
۲۰۱۶	۱،۸۷۷،۰۱۳	۴۲۷
۲۰۱۷	۱۱۲،۱۳۴	۰

(Eurostat, 2018)

(UNCTAD, 2018)

در این دوره زمانی، علیرغم اشتیاق شرکت‌های آلمانی برای سرمایه‌گذاری در ایران، جریان ورود و جذب سرمایه با روندی بسیار کند مواجه شد، دو دلیل عمده برای کاهش این استقبال شرکت‌های آلمانی مطرح می‌گردد. در وهله اول این شرکت‌ها نگران بازگشت‌پذیری تحریم‌ها و یا تغییر رویه جمهوری اسلامی ایران یا هریک از طرفین برجام بودند و در وهله دوم با روی کار آمدن ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور جدید در

ایالات متحده آمریکا و انتقادهای جدی وی به توافق برجام و نهایتاً خروج این کشور از برجام این نگرانی‌ها رنگ عملی به خود گرفت و منجر به خروج شرکت‌های متعدد اروپایی و از جمله آلمانی از ایران گردید. نمودار شماره (۴) روند سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران را در این دوره زمانی نشان می‌دهد. همانگونه که ملاحظه می‌گردد علی‌رغم استقبال شرکت‌های آلمانی که از طریق پیکان نقطه چین مشخص شده و با رشد قابل ملاحظه‌ای روبرو است، لیکن میزان سرمایه جذب شده از سطح مناسبی برخوردار نیست و همچنان روند نزولی را طی می‌نماید.



نمودار شماره ۴. جریان سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران طی سال‌های ۲۰۱۳ لغایت ۲۰۱۸

یکی از مسائلی که باید در بحث سرمایه‌گذاری خارجی مد نظر قرار داد تفاوت بین حجم سرمایه‌گذاری اعلامی و حجم سرمایه‌گذاری وارد شده به کشور است. میزان قراردادهای صادر شده برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در جمهوری اسلامی ایران همواره روند رو به رشد و از میزان قابل توجهی برخوردار بوده لیکن به دلایل مختلف میزان سرمایه ورودی به کشور چندان قابل توجه نمی‌باشد. در بحث پراکندگی بخشی سرمایه‌گذاری‌های مذکور نیز این مسأله حائز اهمیت می‌باشد که در مجموع سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته توسط شرکت‌های آلمانی در جمهوری اسلامی ایران، بخش صنعت با بیش از ۴۶ درصد بیشترین میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی را داشته است. همچنین بخش خدمات و بخش انرژی نیز هر یک با بیش از ۲۴ درصد دو

بخش عمده دیگر در جذب سرمایه‌های مذکور می‌باشند. لازم به ذکر است که دو بخش کشاورزی و ساختمان هریک با ۰/۷ درصد و ۰/۸ درصد کمترین میزان سرمایه را جذب نموده‌اند. نمودار شماره (۵) نشان دهنده میزان سرمایه‌گذاری صورت گرفته در هریک از بخش‌های مذکور می‌باشند.

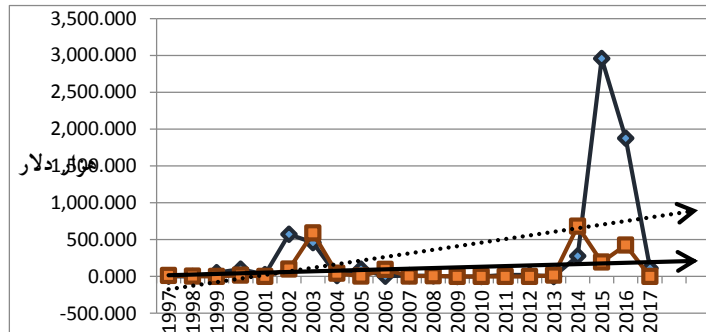


نمودار شماره ۵. زمینه‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران طی سال‌های ۱۹۹۷ لغایت ۲۰۱۸

با در نظر داشتن این بخش‌ها و میزان سرمایه‌ای که در هر یک از آن‌ها جذب شده است، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که بخش صنعت بیشترین میزان جذابیت را برای شرکت‌های آلمانی در جمهوری اسلامی ایران دارد.

نتیجه‌گیری

حسب بررسی صورت گرفته، متغیرهای سیاسی موجود در روابط دوجانبه تأثیر بسزایی بر جریان و میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران دارد. در نمودار شماره (۶) پیکان نقطه چین جهت سرمایه‌گذاری خارجی مشتمل بر پروژه‌های که در داخل کشور جمهوری اسلامی ایران به تصویب می‌رسد را نشان می‌دهد. این روند نشان‌دهنده میزان علاقه و تمایل شرکت‌های آلمانی برای ورود به اقتصاد ایران است که با توجه به ظرفیت‌های موجود و فرصت‌های قابل ارائه به این شرکت‌ها از میزان مناسبی برخوردار است. پیکان ممتد نشان‌دهنده میزان سرمایه واقعی که از طریق انتقال سرمایه، فناوری یا تجهیزات توسط شرکت‌های آلمانی به جمهوری اسلامی ایران وارد شده، است. این نمودار به خوبی نشان‌دهنده میزان اثرگذاری مولفه‌های سیاسی بر روند سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در بخش‌های مختلف اقتصادی ایران می‌باشد که بیشتر ناشی از تعارضات سیاسی مستمر در روابط دو کشور است.



نمودار شماره ۶. جریان سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران طی سال‌های ۱۹۹۷ لغایت ۲۰۱۸

بنابراین، فراز و نشیب بالای روند مذکور ناشی از مولفه‌های نظیر اختلافات منطقه‌ای، محدودیت‌های آمریکا برای تجارت و سرمایه‌گذاری با ایران، اختلافات عمیق در بخش حقوق بشر و تروریسم بویژه اسرائیل دارد که نقش بسزایی در میزان جذب سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران دارد. همانگونه که بحث شد، بیشترین میزان تعارضات سیاسی در دوره سال‌های ۲۰۰۵ لغایت ۲۰۱۲ بوده است. نمودار مذکور به خوبی نزول سرمایه‌گذاری آن کشور را در این دوره نشان می‌دهد. در دوران احمدی نژاد، ناشی از نزدیکی آلمان به آمریکا برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران و اعمال تحریم‌های متعدد، انتقاد آن کشور به وضع حقوق بشر به ویژه بعد از اعتراضات مربوط به دور دوم انتخابات ریاست جمهوری، تنش بر سر مسأله اسرائیل و هولوکاست و لزوم مبارزه با تروریسم، شاهد صفر شدن میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران هستیم. همچنین پس از توافق هسته‌ای، با وجود سفرهای متعدد مقامات دو کشور و اعلام آمادگی شرکت‌های سرمایه‌گذاری برای حضور در بازار ایران و از سرگرفته شدن گفتگوهای مربوط به تروریسم، حقوق بشر و اقتصاد کلان، لیکن ذهنیت بانک‌ها و شرکت‌های آلمانی از تحریم‌ها و اقدامات تلافی‌جویانه آمریکا مانع گسترش جدی همکاری‌های دوجانبه می‌باشد. لازم به ذکر است، در دوره زمانی ۱۹۹۷ لغایت ۲۰۰۴، روند همکاری مذکور مثبت بوده که ناشی از اتخاذ سیاست تنش‌زدایی و عادی سازی روابط در دوران ریاست جمهوری خاتمی است. لذا بدیهی است که مدیریت نحوه

اثرگذاری متغیرهای سیاسی مذکور می‌تواند میزان اثر آن‌ها بر روابط سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش دهد. در نهایت می‌توان مطرح کرد که توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران و آلمان منافع دو کشور را تأمین خواهد نمود. در این راستا استفاده از دیپلماسی هوشمندانه، بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و استفاده از مناسبات شخصی با چهره‌های شاخص سیاسی و اقتصادی آلمان می‌تواند در توسعه روابط دو کشور مؤثر باشند.

منابع

- اطاعت، ج و رضایی، م. (۱۳۹۲). بررسی تحلیلی تحولات روابط سیاسی و اقتصادی ایران و آلمان. *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره بیستم. سال هشتم. ۱۹۲-۱۶۳.
- سنایی، آ. (۱۳۹۴). *روابط ایران و آلمان: نگاهی به آینده*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- شفیعی، آ. رضائی، م. (۱۳۹۲). سیر تحول از مناقشه تا امیدواری در روابط جمهوری اسلامی ایران و آلمان. در «*ایران و اتحادیه اروپا، تجارب و چشم اندازها*» جلد دوم. (۵۳۵-۵۶۲) تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- کیانی، د. (۱۳۹۲). سیاست خارجی آلمان و ژئوپلیتیک نوین بین‌المللی و اتحادیه اروپا. *فصلنامه روابط خارجی*، شماره ۱۵. ۱۶۴-۱۲۹.
- کیانی، د. (۱۳۹۲). مثلث روابط میان ایران و آلمان. *فصلنامه روابط خارجی*، شماره ۳. صص ۱۷۹-۱۵۱.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران. (۲۰۱۷). *آمار مبادلات بازرگانی جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها*.
- مصطفی جوکار، ف (۱۳۹۶). بررسی شکل‌گیری اتحادیه اروپا بر روابط دوجانبه آلمان و ایران. *پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای*. دانشکده حقوق و علوم سیاسی: دانشگاه تهران.

نجفی، م. (۱۳۹۶). سیاست خارجی آمریکا و روابط ایران و آلمان. پایان نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل. دانشکده حقوق و علوم سیاسی: دانشگاه تهران.

Fakude, T. (2017, November 20). Germany Future Role in the Middle East. *Middle East Monitor*. Retrieved from <https://www.middleeastmonitor.com/20161120-germanys-future-role-in-the-middle-east/>

Grohe, H., Moosbauer, C., Perthes, V., & Sterzing, C. (2009). Evenhanded, not neutral: Points of Reference for Germany Middle East Policy. In V. Perthes, *Germany and the Middle East Interests and Options* (pp. 11-28). Berlin: Heinrich Boll.

<http://www.europarl.europa.eu>. (2011, March 10). Retrieved from <http://www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?type=TA&language=EN&reference=P7-TA-2011-96>

<https://ec.europa.eu/eurostat>. (2018, September 18). Retrieved from <https://ec.europa.eu/eurostat/web/international-trade-in-goods/data/database>

<https://eur-lex.europa.eu>. (2005, December 20). Retrieved from <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/en/TXT/?uri=CELEX:32012R0267>

<https://futureuae.com>. (2017, June 14). (Future for Advance Research and Studies) Retrieved from <https://futureuae.com/m/Mainpage/Item/2899/pillars-of-germanys-foreign-policy-for-middle-eastern-conflicts>

<https://khabarone.ir>. (1397, 4 آبان ماه). Retrieved from <https://khabarone.ir/news/20097631/%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA-%D9%87%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%DA%A9%D9%87-%D8%A7%D8%B2-%D8%AA%D8%B1%D8%B3-%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7-%D8%A7%D8%B2-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%B1%D9%81%D8%AA%D9%86%D8%AF>

<https://teheran.diplo.de>. (2018, June 15). Retrieved from <https://teheran.diplo.de/ir-fa/themen/wirtschaft>

<https://unctad.org>. (2018, September 14). Retrieved from [https://unctad.org/en/Pages/DIAE/Foreign-Direct-Investment-\(FDI\).aspx](https://unctad.org/en/Pages/DIAE/Foreign-Direct-Investment-(FDI).aspx)

<https://www.state.gov>. (2018, July 05). Retrieved from <https://www.state.gov/j/ct/rls/other/283789.htm>

<https://www.treasury.gov>. (2016, May 14). Retrieved from <https://www.treasury.gov/press/releases/hp644.htm>

Katzman, K. (2018). *Iran's Foreign and Defense Policies*. Congressional Research Service.

Koopmann, G. (2012). German Foreign Economic Policy in the age of Globalization. *Institut for Wirtschaftsforschung*, 7-28.

Krewson, M. (2018, September 12). <http://ec.europa.eu/eurostat>. Retrieved from <http://ec.europa.eu/eurostat/tgm/refreshTableAction.do;jsessionid=cjzXRA>

- QuxS6pH_WSKRqPcdq8Zjo9oMtZEJoAu6fjWBEvlUHlYyzG!-273851051?tab=table&plugin=1&pcode=tec00001&language=en
- Maull, H. (2012). Globalization and German Foreign Policy. *Friedrich Ebert Stiftung*, 148-161. Retrieved from https://library.fes.de/pdf-files/ipg/2011-2/12_a_maull.pdf
- Parsi, R. (2016). *An Eu Strategy for Relations with Iran after the nuclear deal*. Directorate General for External Policies. European Parliament.
- Parsi, R. (2016). EU-Iran Relations: Building Bridges in Stormy Waters. In P. Magri, & A. Perteghella, *Post - Vote Iran Giving Engagment a Chance*. Milan: Italian Institute for International Political Studie.
- Parsi, R. (2017). EU-Iran Relations: Building Bridges in Stormy Waters. In P. Magri, & A. Perteghella, *Post - Vote Iran Giving Engagment a Chance*. Milan: Italian Institute for International Political Studie.
- Wald, E. (2018, June 6). <https://www.forbes.com>. Retrieved from <https://www.forbes.com/sites/ellenwald/2018/06/06/10-companies-leaving-iran-as-trumps-sanctions-close-in/#77fb877ac90f>
- www.auswaertiges-amt.de. (2018, November 05). Retrieved from www.auswaertiges-amt.de/en/aussenpolitik/themen/aussenwirtschaft
- www.gtai.de. (2018, August 11). Retrieved from www.gtai.de
- (2018). *Iran's Spoiler Role in Syria Peace Process*. Middle East Institute. Retrieved from <http://www.mei.edu/publications/irans-spoiler-role-syria-peace-process>
- (2016). *Country Reports on Terrorism*. Washington: Bureau of Counterterrorism United States Department of State Publication.
- (2012). *Iran Ministry of Intelligence and Security: A Profile*. Washington: Federal Research Division Library of Congress.
- (2004). *World Investment Report*. New York and Geneva: UNCTAD. Retrieved from https://unctad.org/en/Docs/wir2004_en.pdf